



صادق امامی

عضو شورای سربیری

یادداشت

۳۰ دست لباس کار و ۳ جفت کفش دارم، هر ۲ یا ۳ ساعت، از گرما و شرجی اینجا، کفش هام پر آب میشه و باید عوضشون کنم.» این را آرمان‌نریند تبریزی سمت چپ من در تاکسی بین راهی جیرفت به کهنوج، خطاب به مسافری می‌گوید که در صندلی جلو نشسته است. می‌گوید به همین خاطر دستمزد آرمان‌نریند در تهران متری ۷۰۰ هزار تومان است و در بندر، متری یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان. آنچه او می‌گوید را وقتی متوجه می‌شوم که جلوی سازمان نظام مهندسی استان هرمگان از تاکسی کهنوج به بندرعباس پیاده می‌شوم. شاید کم طاقت‌تر شده باشم؛ اما این دما و شرجی حتی از مرداد ۳ سال پیش طاقت‌فرساتر بود. آن سال، دلاورمردان نیروی دریایی ارتش، با ۲۳۲ روز درانوردی و عبور از ۳ اقیانوس، مأموریتی بزرگ را انجام داده و تقریباً یک گردش کامل در آب‌های بین‌المللی زده بودند. من به همراه تیمی برای نوشتن گزارش از این مأموریت راهی بندرعباس شده بودم. در آن مردادماه، در فرودگاه مهرآباد به راحتی سوار هواپیما شدیم و ساعتی بعد در بندرعباس بودیم. این بار اما ماجرا فرق می‌کرد: پروازی به بندر نبود و نزدیک‌ترین راه، پرواز به مقصد کرمان بود. از آنجا هم باید با سواری و یا اتوبوس ۷ یا ۸ ساعتی در جاده‌های جنوب چرخ می‌زدی تا به بندر برسی. یک روز قبل بلیت اتوبوس به مقصد بندر را برای ساعت ۱۰ صبح رزرو کرده بودم؛ اما به فرودگاه که می‌رسیم، از تعاونی تماس می‌گیرند که مسیر مسدود شده است. باورم نمی‌شود. باگوشی کانال‌های خبری را چک می‌کنم. درست چند ساعت قبل، ارتش تئوریستی آمریکا تقریباً تمام محورهای مواصلاتی دسترسی از کرمان به بندر را هدف قرار داده است؛ تونل شهید میرزایی در محور بندرعباس به سیرجان، در رفت و برگشت، پل روی رودخانه شور را که چند کیلومتر جلوتر بود هم برای محکم‌کاری زده بودند. پل روی محور بندر خمیر و لار هم در غرب استان و یک پل دیگر در شرق استان در محور سه‌راهی میناب به سمت رودان.

وقتی محل اصابت‌ها را روی نقشه کنار هم می‌گذارم، تصویر روشنی شکل می‌گیرد؛ ضربه‌ها تصادفی نیستند. یکی در شمال، یکی در غرب و یکی در شرق. انگار کسی می‌خواست راه‌های رسیدن به بندر را از چند جهت هم‌زمان مختل کند تا اگر قرار بر حمله زمینی باشد، امکان پشتیبانی از این استان وجود نداشته باشد.

با اینکه تقریباً تمامی مسیرهای منتهی به بندر مسدود است؛ اما راهی ترمینال می‌شوم. پرسنل پرسنل از راننده‌ها متوجه می‌شوم شاید از مسیر جیرفت راهی به بندر باشد؛ اما با ۱۲۱ برای اطلاع از وضعیت راه‌ها که تماس می‌گیرم، آب پاکی را روی دستم می‌ریزند؛ تمام مسیرها به بندر مسدود شده. ترجیح من این است که شانس را امتحان کنم. با اولین اتوبوس راهی جیرفت می‌شوم. از آنجا با تاکسی به کهنوج و از کهنوج هم به بندرعباس.

حوالی ساعت ۹ شب جلوی ساختمان نظام مهندسی پیاده می‌شوم. تا همان سراسر کمتر از یک کیلومتری راه است. هوا آن قدر شرجی است که نفس کشیدن هم کمی سخت است چه برسد بخوابی در خیابان‌ها راه می‌بری. آهسته از کنار مغازه‌های می‌گذرم. هوا به شکلی است که مردم محلی هم دلشان نیست بیرون از مغازه بنشینند. شاید همین هم کافه‌ها را پر رونق کرده است. در بین مغازه‌ها، یکی توجهم را جلب می‌کند؛ مغازه‌ای که یک نوع نان محلی می‌پزد. در اینستاگرام تعریف زیادی از خوشمزه‌گی این نان‌ها دیده و شنیده بودم. وارد مغازه می‌شوم و یک نان تموشی سفارش می‌دهم. انصافاً خوشمزه است. بیشتر از ۹۰ هزار تومانی که بابتش پرداخت می‌کنم، می‌ارزد. درست در همین لحظه، خامی وارد می‌شود و سفارش ۲ نان را می‌دهد. احتمالاً نان او آپشن‌های بیشتری دارد که به جای ۱۸۰ تومان، ۲۵۰ هزار تومان می‌پردازد. نیم ساعت بعد در همان سراسر مستقر می‌شوم و منتظر شنیده شدن صدای انفجارها می‌مانم. هم‌زمان اخبار را هم چک می‌کنم. نیمه‌شب خبرهایی از اصابت در چابهار و بندرعباس در کانال‌های خبری منتشر می‌شود.

صبح یکشنبه با کامک یک راننده به سمت تونل شهید میرزایی می‌رویم. روز گذشته و تقریباً در همان ساعتی که از مسیر جیرفت به کهنوج می‌رفتم، خبر بازگشایی تونل منتشر شد. جلوی تونل چندین ماشین پارک شده. انگار مسیر مسدود است. کمی جلوتر که می‌روم، ماشین‌های مسئولین خودنمایی می‌کند. انگار جلوی ماشین‌ها را گرفته‌اند تا اگر از شرگر تلویزین وقتی می‌خواهد گزارش بگیرد، تعداد زیادی ماشین از کنارش عبور کنند. دلیل این کار را نمی‌دانم؛ اما مشخص است که مسیر باز است و تردد در آن جریان دارد. وارد تونل می‌شوم، کمی گرد و خاک روی سرم می‌ریزد. تروریست‌های آمریکایی دهانه ورودی و خروجی تونل را هدف گرفته‌اند. اگر اشتباه نکنم در تونل بندرعباس به سمت سیرجان، یک شکاف در سقف تونل به قطر حداقل ۵ متر خودنمایی می‌کند. با وجود اصابت شدید، اما نیروهای امدادی و راهداری به سرعت مسیر را برای عبور و مرور به حالت سابق در آورده‌اند.

چند کیلومتر قبل از تونل، پل روی رودخانه شور را هم زده‌اند؛ اما این اصابت باعث نشده تا مسیر مسدود شود. فعلاً راه موقتی برای تردد در نظر گرفته شده و خودروهادر حال عبور از روی آن هستند. من به سراغ پل‌ها می‌روم. تقریباً یک دهانه از پل از بین رفته. پایین پل نیروهای راهداری مستقر هستند تا ببینند چگونه می‌توانند سریع‌تر پل را تعمیر کنند. راننده همراهم، تا کید دارد باید پیش از عصر بازگردیم چرا که عمده حملات در حوالی عصر صورت گرفته است. عصر می‌شود؛ ولی باز هم صدای اصابتی نمی‌شنوم. ادامه در صفحه ۷

فرهیختگان

گزارش جند

شماره ۴ ۷ ۶ ۳
صفحه ۸
تومان ۱۰۰۰۰

چهارشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۵
۷ صفر ۱۴۴۸
۲۲ جولای ۲۰۲۶

روایت میدانی خبرنگار «فرهیختگان»
از حال و هوای بندرعباس در روزهایی که
اهالی جنوب ایران درس مقاومت می‌دهند



۷

دروغ می‌گویید! جنگ دائم می‌خواهید

درباره پروژه ریاکارانه صلح مصنوعی اصلاح‌طلبان رادیکال ۲

حسین پارسایی و محمدصادق میرکریمی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از پرفورمنس «مشق ناتمام» می‌گویند

بیچارگی در بی‌وطنی است

۵



دکتر ولایتی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» تشریح کرد

استادان و پزشکان ایرانی آماده
کمک به مردم یمن هستند ۳

یمن تصمیم گرفت عربستان را محاصره کند؛ وضع بازار انرژی دیدنی می‌شود

سعودی روی پل ۷

آیا بازی آمریکا با بازگشت به تفاهم‌نامه چیزی بیشتر از نوسان‌گیری است؟

پل اسلام آباد
مسدود است ۲